

«واره» نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه

مرتضی فرهادی



مقدمه

«یاریگری» و «تعاون» از ویژگیهای جوامع سنتی است. جامعه سنتی ما نیز در گذشته و حال، و در موارد گوناگون و برای مقابله با دشواریهای زندگی به چنین راه‌حلهایی نیازمند بوده و هنوز نیز هست. خست و خشونت طبیعت (شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار)، فقر اقتصادی و فقدان امنیت از سونی، و فرهنگ «یاری دوست» و بر اخوت ایرانی و اسلامی از سوی دیگر، در درازای زمان، مردم ما و به ویژه روستائیان و کوچ‌نشینان ما را هر چه بیشتر به هم وابسته کرده است. بر خورد سازنده و هشیارانه با این دشواریها، چه در زمینه تولید کشاورزی و دامداری، و چه در زمینه مبارزه با طبیعت و سایر عرصه‌های اجتماعی، به آفرینش شکلهای بسیار متنوع و سازگاری از «یاریگری» و «تعاون» انجامیده است.

تعاونیهای سنتی

«تعاون»، واژه‌ای عربی و قرآنی است. «تعاون» از نظر اشتقاقی کلمه از باب تفاعل... است، مصادری که بر این وزن در زبان فارسی وارد شده به طور کلی دو نوع و در دو معنی متفاوت به کار رفته است.

۱- به معنی صفتی و حالتی که در اصل موجود نباشد، به خود بستن و به خود نسبت دادن، مانند... تجاهل، تشاعر، تظاهر و تمارض...

۲- به معنی انجام عمل متقابل و در برابر هم، همچون معنایی... که از کلمات مبارزه، مصاحبه، مقاتله، مشاجره... به دست می‌آید، از مصادر تعاون... تعاطف، و تباین نیز فهمیده می‌شود، به طوریکه معانی به یکدیگر کمک کردن... با هم مهربانی کردن، و از هم دور شدن از این کلمات به اذهان متبادر می‌گردد.^۱

معادل کلمه «تعاون» در زبانهای اروپائی «Coopération» است.

«فرهنگ لغات انگلیسی (وبستر)، کلمه «Cooperation» را، کار کردن با هم برای یک مقصود و جمع شدن به دور هم برای انجام دادن یک امر مشترک و عمل همکاری اقتصادی نیز معنی کرده است.

و نیز فرهنگ لغات فرانسه (گراندر لاروس)، آن را به معنی عمل همکاری و شرکت در انجام کار مشترک و روش و عملی که به موجب آن افراد یا خانواده‌های دارای منافع مشترک مؤسسه‌ای را به وجود می‌آورند، بیان کرده است.^۲

معانی و تعاریف بالا، معانی لغوی واژه تعاون و معادل اروپائی آن می‌باشند، که می‌تواند بسیاری از انواع «یاوری» و «یارگیری» را در بر گیرد، اما از نظر اصطلاحی، نگارنده این واژه را، در طبقه‌بندی خود^۳ از یاوریهای سنتی، برای نامگذاری یکی از کهنترین انواع «یارگیری» نامزد می‌نماید. کهنترین و در عین حال همه‌جانبه‌ترین و زیباترین نوع «یارگیری»، که هنوز نیز

اشکالی از آن را در روستاها و ایلات ایسن سرزمین می‌توان جستجو کرد. این نوع «یاوری» که ما آنرا تحت عنوان «تعاونیهای سنتی» بررسی خواهیم کرد بیش از دیگر انواع «یاوری» به تعاونیهای تولیدی امروزی در جهان نزدیک است، و شایستگی سر مشق گرفتن برای برنامه‌ریزان تعاون کشور را دارد.

مناسفانه، بی‌توجهی، بی‌برنامگی، عدم شناخت و یا شناخت ناقص از روستاهای ایران، و بازنتاب آنها در قوانین اصلاحات ارضی، تمرکز اداری ناشی از دیکتاتوری و تصمیم‌گیریهای یک‌طرفه و از بالا، سبب شد که بخشی از زیباترین تعاونیهای سنتی ما، که بیشترین کارائی و سازگاری با شرایط جغرافیائی و اجتماعی ایران را دارا بودند، و می‌توانستند ریشه و پایه استواری برای تعاونیهای تولید کشاورزی جدید ایران شوند، متلاشی و نابود شوند.

این «تعاونیهای سنتی»، که تا پیش از اصلاحات ارضی در بیشتر مناطق ایران وجود داشته‌اند، به نامهای «پنه»، «صحرا»، «حرانه»، «بیکال»، «سرکار»، «تیرکار» «پاگاو» و «درکار» و غیره نامیده می‌شده‌اند.^۴

و هنوز نیز در برخی مناطق پرآب جنوب، و در کشتهای مشکلی همچون کشت برنج، و به ویژه در کشت صیفی اینگونه تعاونیها وجود دارند،^۵ و در مورد اخیر حتی در جنوب خط خرم‌آرو به گسترش می‌باشند.^۶

تعاونیهای سنتی در زمینه دامداری سنتی خوشبختانه هنوز در میان کوچ‌نشینان مازنده و رایج است، و به نام‌های گوناگون نامیده می‌شوند.

این گروه‌بندی‌های تعاونی در ایل بویراحمدی و ایل بهمنی و... «مال» و در ایل قشقائی «پینه» و «بیلک» و در ایل شاهسون «اردو» و در ایلات بلوچ «هلک» و در عشایر سنگسر «خیل» و در ایلات و عشایر سیرجان و بافت و بردسیر و شهر بابک «ایشوم» و...

نامیده می‌شوند.

و بالاخره باید به نوعی تعاونی سنتی زنانه و کهن و بسیار گسترده‌ای که تا چند دهه پیش نه تنها در اغلب روستاها و ایلات ایران، بلکه در اغلب شهرها نیز وجود داشته است و به نامهای بسیار متنوعی که مشهورترین آنها «شیرواره» یا «واره» است، نامیده می‌شوند، اشاره کرد.

این تعاونی هنوز نیز گسترده‌ترین نوع تعاونی سنتی در ایران است.

فرق تعاونیهای سنتی با سایر «یارگیریها» اولاً: گزینش در سایر اشکال یاوری اغلب وجود ندارد، مانند بیشتر خودیاریها، و یا اگر وجود داشته باشد ناقص است و همه‌جانبه نیست مانند برخی دگریاریها و بیشتر «همیاریها»، که در آن گروه یاری دهنده یکدیگر را نگزیده، و تنها از جانب «یاری‌گیرنده» فرا خوانده شده‌اند، چنانچه در برخی همیاریها حتی ممکن است، گروه یاری دهنده یکدیگر را نشناسند. نگاه کنید به «برآبری» در رشد علوم اجتماعی شماره ۲.

و بالاخره، در اینگونه «یاوریها» اگر گزینشی هم در میان باشد، این گزینش با سختگیری و وسواس همراه نیست.

در حالیکه در «تعاونیهای سنتی»، افراد گروه به‌نسبه یکدیگر را بر گزیده و یا توسط سرگروه گزیده می‌شوند، در این گزینش تا حد امکان، سختگیری به عمل می‌آورند، و معیارهای اقتصادی و غیراقتصادی متعددی را در انتخاب اعضا در نظر می‌گیرند.

برای مثال در تعاونی سنتی «شیرواره»، زنان روستائی و ایلی ایران، برای گزینش «همواره» (اعضا واره) در حدود ۱۷ معیار و ملاک اقتصادی و غیراقتصادی داشته‌اند. که برخی از این ملاک‌ها در سراسر ایران عمومیت داشته است.^۸

ثانیاً: کنش یاری در انواع «یارگیریهای» دیگر، نسبت به «تعاونی سنتی» گسسته و کوتاه

مدت می باشد.

در صورتیکه در تعاونیهای سنتی، این کنش نسبتاً «پیوسته» و «دراز مدت» است، و حداقل اعضا تعاونی برای یکسال زراعی^۱ و یاسال دامداری^۲، یکدیگر را برمیگزینند.

در برخی «تعاونیها» ممکن است اعضا سالها تغییر نکرده، و یا بسیار کم تغییر کرده باشند. ثالثاً: «تعاونیهای سنتی» به خاطر کنشها و جریانات مختلف یاری که در آنها برقرار می گردد، پیچیده تر از سایر «یاوریها» بوده، و گاه همه انواع یآوری و منجمله تعاونیهای کوچکتری را در درون خود جای می دهند. مانند تعاونی سنتی «شیرواره» در درون «مال». رابعاً: «تعاونی سنتی» کهنترین گونه «یاوری» در جامعه انسانی و منجمله در جامعه ایران بوده است.

و به همین جهت، یعنی دیرینگی آنها در زرفای تاریخ و گذشته جامعه ما، و همچنین به خاطر گستردگی آنها در پهنه جغرافیایی کشور ما، دارای نامهای گوناگون می باشند، اعضا نیز اغلب نام ویزای دارند که بیانگر عضویت آنها در تعاونی است. علاوه بر وجود یک نام عمومی برای اعضا، گاه اعضا نام دیگری نیز دارند، که بیانگر جایگاه فرد در تعاونی است. این نامها همچنین نشاندهنده یک سازماندهی منظمتر در تعاونیهای سنتی است.

گونه های «تعاونی سنتی»

تعاونیهای سنتی به شرحی که یاد شد، در واقع از تشدید نظم گروهی، پیوستگی و افزونی کمیت یک و یا چند گونه «کنش یاری» پدیدار شده اند. به عبارت دیگر «تعاونی سنتی» همان «خودیاری»، همیاری و دگریاری تشدید یافته است.

بر این پایه، سه نوع تعاونی سنتی را می توان از یکدیگر باز شناخت:

الف: تعاونیهای سنتی که محور اصلی آن بر «خودیاری» نهاده شده است، گرچه ممکن

است «همیاری» و «دگریاری» و حتی همیاری و دگریاری تشدید یافته (تعاونیهای دیگر) به درجاتی کم رنگ تر در آن قابل مشاهده باشد. مانند تعاونیهای سنتی «بنه» و «مال».

ب: تعاونیهای سنتی که محور اصلی آن «همیاری» است، گرچه گونه های دیگر «کنش یاری» نیز در آن جریان دارد مانند «واره».

ج: تعاونیهای سنتی که محور اصلی آن «دگریاری» و انواع آن است، همراه با محورهای فرعی از گونه های دیگر یاریگری. مانند سازمانهای وقفی و «خانواده» و اشکال کهن تر آن. اینگونه تعاونی سنتی چنان کهن و جهانی و در نتیجه آن چنان عادی شده است که دیگر به چشم نمی آید.

تعریف «واره»

«واره» و یا «شیرواره» نوعی تعاونی سنتی می باشد. که در گذشته در اکثر روستاها و ایلات و حتی شهرهای ایران وجود داشته و هنوز نیز در بسیاری از مناطق و روستاها و ایلات ایران وجود دارد.

«واره» بخاطر معیشتی و یا نیمه معیشتی بودن کار دامداری سنتی و برای رسا کردن میزان شیر و جلوگیری از اتلاف وقت و بخاطر هدفهای عینی و ذهنی دیگر در میان زنان خانواده های دامدار خرده یا تا همین امروز ادامه یافته است.

نحوه کار به ساده ترین بیان چنین است که زنان همواره (اعضا واره) به نسبت میزان شیر دامهایشان، شیرچند وعده شیردوشی را به یکی از اعضا طبق هنجارهایی قرض داده و در روزهای آینده و به ترتیب خاص شیرهای وام داده را پس می گیرند و در ضمن در کارهای مربوط به تهیه فرآورده های شیری به یکدیگر یاری می دهند.

هر «واره» دارای یک «سرواره» و تعدادی اعضا است که حقوق و وظایف و رتبه و جایگاه هر یک مشخص می باشد. در «واره» نیز مانند هر گروه متشکل دیگر ارزشها و

هنجارهایی حاکم است که توسط اعضا رعایت می گردد. به طور خلاصه می توان گفت:

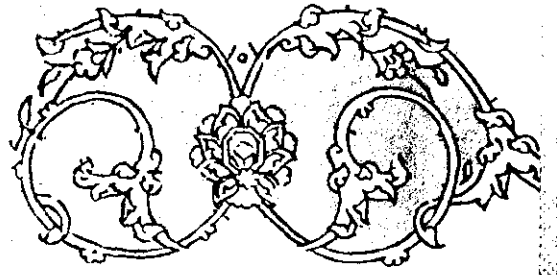
«واره» سازمانی نهادی شده و گسترش یافته در اغلب مناطق و در میان اقوام مختلف ایرانی با کارکردهای مرکب است که به نظر می رسد از تلاشی برخی اشکال تعاونی قدیمی تر زاده شده و به خاطر اقتصادی کردن دامداری معیشتی و نیمه معیشتی در زمینه تولید فرآورده های شیری (رسا کردن میزان شیر و نیروی کار و صرفه جویی در این دو عامل) و به خاطر ماهیت و تقدیس شیر و پاره ای نیازهای اجتماعی - روانی «هموارگان» (اعضا واره) تا به امروز تداوم یافته است.

«واره» یک سازمان اجتماعی غیر رسمی بر اساس مهمترین موازینی که جامعه شناسان برای گروه بر شمرده اند، واره را می توان یک گروه متشکل، با هدف مشخص، با روابط مستقیم و چهره به چهره، با ارزشها و هنجارهای گروهی و نظم فراوان دانست.

«رابرت کولی آنجل»، گروه را «جمع متشکل عده ای از افراد می داند که عمل و اقدام مشترکشان، مظهر یک میل راهنمایی شده است»^{۱۱}

«پارک» و «برگس» در کتاب اصول علم جامعه شناسی، خاطر نشان می کنند: یک گروه اجتماعی باید «قادر به انجام یک اقدام مداوم باشد و این اقدام باید به طور آگاه و ناخودآگاه متوجه یک هدف مشترک گردد»^{۱۲}

واقعیات نشان می دهند که واره یک گروه متشکل در نتیجه بسا میل و هدف و اقدام مشترک است. این شکل (سازماندهی اقدام مشترک و مداوم و هدفدار اعضا) در «یاریگری» و مرزبندی گروههای واره در یک محل، در روابط نسبتاً پایدار افراد هر گروه نسبت به یکدیگر، در نظم حاکم بر آن و اهدافی



را که در طول واره پی می گیرند، می توان ملاحظه کرد.

«هومنز» (Homans)، «گروه اجتماعی را مرکب از عده معدودی از افراد می داند، که مدتی تقریباً طولانی با یکدیگر ارتباط دارند و بین آنها نوعی ارتباط رویاروی وجود دارد و این ارتباط به صورت مستقیم و بدون واسطه افراد دیگر است.»^{۱۲}

در واره نیز عده ای معدود از زنان دامدار غالباً خرده پا از دو تا بیست نفر در هر گروه، در حداقل یک دوره واره، حداقل روزانه یک و غالباً دوبار و گاه بیشتر با یکدیگر ارتباط رویاروی و چهره به چهره دارند و گاه نیز سالها با یکدیگر «همواره» می باشند.

«آگ برن» و «نیمکف»، گروه اجتماعی را «دو یا عده بیشتری از افراد انسانی که بر اثر کنشهای متقابل اجتماعی پیوند خورده اند» تعریف می کنند.^{۱۳}

در واره «کنشهای متقابل پیوسته» (Associative interactions) و به ویژه «همکاری» (یکی بودن مساعی دو یا چند نفر برای حصول هدفی معین) به خوبی مشهود است و محور اصلی همکاری در آن، «همیاری» است.

برخی از جامعه شناسان به شروط یاد شده در بالا، در تعریف گروه شرط دیگری را نیز افزوده اند، که عبارت از خودآگاهی افراد گروه و دیگران از وجود گروه و احساس آن به عنوان یک کل واحد می باشد.

«آلیون اسمال» درباره روابط گروه می نویسد: «این روابط باید به اندازه کافی نمایان و مشهود باشد و توجه همگان را به خود جلب کند.»^{۱۵}

«جوژن روسک» و «رولندوارن» معتقدند: «گروه مجموعه ای از دو یا چند نفر است که بین آنها عمل متقابل معینی وجود دارد و هم خود اعضاء گروه و هم دیگران آنان را به صورت یک «کل واحد» (Whole) می بینند.»^{۱۴}

در واره نیز هموارگان (اعضاء واره) از وجود «سته» (گروه) خود آگاهند، «سته» نامی که خود به گروه اطلاق می کنند و هم گروههای دیگر و سایرین در آبادی و «مال» (کوچکترین واحد اقتصادی - اجتماعی ایل) و در گذشته در محلات شهری، به این مسئله آگاه بوده و در گفتار و رفتار خویش این توجه و آگاهی را آشکار می سازند.

تقریباً تمام صفاتی را که جامعه شناسان در کل برای تحقق گروه بر شمرده اند، در واره به چشم می خورد.

از طرف دیگر، واژه گروه با اندیشه «نیرو» در رابطه است. اصطلاح گروه بندی عملاً گرایش به کسب نیروی مشترک افرادی را بیان می کند که در حالت تنهایی احساس ناتوانی می کنند.^{۱۶}

در تکمیل این نظر باید گفت، گروه نه تنها با افزایش نیرو، که با سازماندهی و توزیع خردمندانه نیرو و امکانات گروه نیز سروکار دارد، و در این راه گاه با آزاد کردن نیروی اضافی و درگیر افراد در مواضعی، به کارآئی و راندمان گروه می افزاید.^{۱۸}

در واره نیز، هم افزایش نیرو و توان تولیدی گروه مد نظر بوده و هم در مواضعی به کاهش و آزادسازی نیروی اضافی گروه دست می زنند.

اگرچه ایجاد خط فاصل بین گروه و سازمانهای غیررسمی کار چندان آسانی نیست، اما به دلایلی که خواهد آمد، می توان واره را یک سازمان سنتی در جامعه ایران و برخی کشورهای همسایه بشمار آورد.

منظور ما از سازمان، گروهی است که دارای سازگاری فراوان بوده و از نظم گروهی

بر خوردار است. سازمان مرکب از اجزائی است که هر یک به خود بقیه عهده دار کاری معین است. اگر روابط نسبتاً پایداری که میان اجزای سازمان برقرار است «ساخت» و هر یک از کارهایی که به وسیله آن صورت می پذیرد «کارکرد» بنامیم،^{۱۱} واره گروهی است با سازگاری فراوان و دارای ساخت و کارکردهای مشخصی است.

در واره روابط نسبتاً پایدار و مشخصی بین «هموارگان» وجود دارد. هر واره دارای یک «سرواره» (رئیس) و تعدادی اعضا با حدی از توان و امکانات (عوامل تولید) است. علاوه بر این، حقوق و وظایف سرواره و رتبه و جایگاه هر یک از اعضاء و حقوق و وظایف آنها نسبت به یکدیگر به خوبی مشخص است.

هموارگان اغلب از منافع زودگذر خود برای حفظ واره می گذرند و اغلب واره با تغییرات جزئی در اعضاء و گاه با اعضاء واحد سالها دوام می آورد.

در واره ارزشها و هنجارهایی حاکم است که اگر زیر پا نهاده شود، واره متلاشی شده و زبان آن متوجه همه اعضاء خواهد شد. لذا این اصول و هنجارها توسط هموارگان (اعضاء) با دقت مراعات می شود، و افراد خاطی از توبیخ تا طرد از واره تنبیه می شوند. این هنجارها همچنین در گزینش اعضاء خود را نشان می دهند.



سازمان واره دارای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی و آموزشی و تفریحی است و به خاطر کارکردهای مهم آن، هزاران سال در جامعه سنتی ما و برخی کشورهای همسایه وجود داشته است.

دو صفت مهم بودن کارکردها و دیرینگی چند هزار ساله به واره وجهه خاصی بخشیده و به خاطر همین دو صفت، منظومه‌ای از آئینها و باورهای کهن برگرد آن تشکیل شده است. به طوری که تعریف سامنروکلر را در تعریف «موسسه» (Association) به خاطر می‌آورد: این دو جامعه‌شناس در تعریف مؤسسه می‌گویند: «موسسه عبارت از یک فعالیت حیاتی است که محصور از مجموعه‌ای آداب و رسوم و تشریفات باشد.»^{۲۲}

تخمین تعداد واره‌ها

سرشماری واره‌های ایران در دوران گسترش آنها - همچون بسیاری از مسائل دیگر - انجام نشده است، و پر معلوم است که سرشماری بازمانده واره‌ها نیز هرگز انجام نخواهد شد.

از سوی دیگر به خاطر نداشتن لیستی از واره‌های ایران، نمونه‌گیری تصادفی از آنها نیز امکان‌پذیر نمی‌باشد.

با این همه به کمک آمارهای جمعیتی و اطلاعات کیفی از روستاها و عشایر و شهرهای ایران در سه چهار دهه پیش می‌توان به تخمین آنها دست زد.

واره‌های ایران به خاطر ناشناخته بودنشان و عدم اندیشه و کار بر روی آنها، در وهله اول ممکن است بی‌اهمیت بسه نظر آیند. این تخمین حداقل اهمیت کمی و اقتصادی آنها را بر ملا می‌سازد.

برای تخمین واره‌های ایران، در دوران گسترش آنها اگر سرشماری سال ۱۳۳۵ (۳۴ سال قبل) را در نظر بگیریم، در این سرشماری جمعیت روستایی ایران ۱۲/۷۵۷۰۰۰ نفر و

عشایر کوچکند ۲۴۳۷۹۷ نفر قلمداد شده است.^{۲۳} حال بگذریم از اینکه آمار واقعی عشایر ما در این مقطع بسیار بیش از این بوده است.^{۲۴} به هر حال بر پایه این سرشماری جمعیت روستایی و عشایری کلادر حدود ۱۳ میلیون می‌شوند. همچنین در این آمارگیری میانگین اعضای خانوار ۴/۸ نفر بوده است^{۲۵} که اگر آن را ۵ در نظر بگیریم، رویهم ۲/۶۰۰۰۰۰ خانوار روستایی و عشایری داشته‌ایم.

از طرف دیگر می‌دانیم که در گذشته اغلب قریب به اتفاق کشاورزان و حتی بسیاری از خوش‌نشینان روستاها، حداقل یک و یا چند رأس گاو و یا گوسفند داشته و کمابیش هنوز هم دارند. در ضمن می‌دانیم که در گذشته حتی کسانی که از نظر مالی قادر به خرید دام نبوده‌اند، اغلب با شیوه‌های سنتی «دندان»، «تراز» و «نیمه‌ای» دام مورد نیاز خود را از دامداران شهری و یا غیر شهری اجاره می‌کرده‌اند.

همچنین می‌دانیم که واره در گذشته و به‌ویژه قبل از اصلاحات ارضی گسترش فوق‌العاده‌ای داشته و هر چه به عقب برگردیم این گسترش باز هم بیشتر شده و حتی شهرهای ایران را نیز می‌پوشانده است. تا حد اطلاع ما در سال ۱۳۳۵ و حتی سالهای بعد از آن واره البته با نامهای گوناگون در شهرهایی مانند بهبهان، سیرجان، دماوند، خمین و گلپایگان و محلات و دلیجان و غیره وجود داشته است.

تا حد اطلاع ما واره در اغلب قریب به اتفاق روستاها و عشایر به جز استان سیستان و بلوچستان که تا این لحظه اطلاعی از آن در دست نداریم وجود داشته و در مناطقی هنوز هم وجود دارد.

حال بر اساس آمارهای یساز شده اگر ۶۰۰۰۰۰ خانوار روستایی و ایلی کوچیک را به هر دلیل و به هر شکل فاقد دام بشمار آوریم و میانگین تعداد اعضای واره را ۵ نفر در نظر



بگیریم، در سال ۱۳۳۵ حدود ۴۰۰۰۰۰ سازمان تعاونی غیررسمی و کوچک و بی‌آوازه واره داشته‌ایم که در حدود ۲ میلیون عضو داشته‌اند و ده میلیون نفر روستایی و عشایر ایرانی به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر این سازمان‌های کوچک اما بسیار فراگیر بوده‌اند. و اگر میانگین شیر هر عضو را روزانه ۲/۵ لیتر در نظر بگیریم، روزانه حداقل در حدود یک میلیون لیتر شیر را گردآوری و به فرآورده‌های شیری تبدیل می‌کرده‌اند. یعنی ۷/۵ برابر ظرفیت فعلی و واقعی سه کارخانه شیر پاستوریزه اراک^{۲۵} و کارخانه شیر پاستوریزه شیراز^{۲۶} و کارخانه پنیس‌سازی گلپایگان^{۲۷} و یا به عبارت دیگر ۱۲/۵ برابر ظرفیت واقعی کارخانه پاستوریزه شیراز و یا ۲۹ برابر کارخانه پاستوریزه اراک و یا ۵۰ برابر ظرفیت فعلی کارخانه پنیس‌سازی گلپایگان.

در مورد تخمین تعداد سازمانهای واره در مقطع ۱۳۳۵ - یعنی عدد چهارصد هزار واره



باید افزود، با اینکه در روستاهای زیادی از ایران واره‌های گوسفندی از واره‌های گاوی جدا می‌باشند، در نتیجه بسیاری از دو میلیون عضو واره‌ها در عین حال در دو واره جداگانه شرکت دارند، اما فرض شده که هر فرد تنها در یک واره شرکت داشته است. همچنین واره‌هایی که در ۱۳۳۵ در نقاط شهری - بالاتر از ۵۰۰۰ نفر - وجود داشته‌اند محاسبه شده‌اند.

گفتنی است که بعد از ۱۳۳۵ و به‌ویژه بعد از اصلاحات ارضی تا به امروز، واره‌ها به شکل فزاینده‌ای در نقاط شهری، حومه و روستاهای نزدیک جاده و روستاهای اطراف کارخانه‌های شیر پاستوریزه، دائماً متلاشی شده‌اند، ولی به خاطر افزایش جمعیت و تعداد روستاها، یعنی از ۴۹۰۵۴ آبادی در سرشماری ۱۳۳۵ به ۸۴۴۴۰ آبادی در سرشماری سال ۱۳۵۲^۸ و از جمعیت روستایی ۱۳۰۰۱۰۰۰ نفر در سرشماری ۱۳۳۵ به جمعیت

۱۷۸۵۴ نفر در سرشماری ۱۳۵۵^۹ بخششی از واره‌های متلاشی شده جایگزین شده‌اند.

منابع و توضیحات:

- ۱ - غلامرضا سلیم - تعاون در متون ادبیات فارسی - تهران، ۱۳۴۷، مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران - ص ۵
- ۲ - غلامرضا سلیم - همان منبع ص ۷
- ۳ - درباره این طبقه‌بندی نک به: «گونه‌شناسی یاوریه‌ها و یاریگریهای سنتی» نامه علوم اجتماعی، دوره جدید شماره ۱ (پائیز ۱۳۴۷) از نگارنده
- ۴ - قاعدتاً باید «هراسه» نوشت
- ۵ - نامهای دیگر «بنه» تا آنجا که اطلاع داریم عبارتند از: «جفت»، «طاق»، «قراغ»، «دانگ»، «دونگ»، «خیش»، «بسنکو»، «همبازی»، «قمازی»، «جوغ»، «بندگاو»، «لوک»، «دنگ»، «بازو»
- ۶ و ۷ - نک به: «قراغ»، مقاله «فرهنگ یاری در کشتکاری»، ماهنامه جهاد، ش ۸۵ (فروردین ۱۳۴۵)، همچنین مقاله «بنه‌شناسی» (پیشینه پژوهش نقد آراء در چگونگی پیدایش بنه‌ها و گونه‌شناسی آن) فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ش ۱۵ از مرتضی فرهادی
- ۸ - مرتضی فرهادی، «واره» نوعی تعاونی سنتی کهن، دستنوشته ص ۷۰
- ۹ - سال زراعی اغلب از اول مهر ماه شروع و تا مهر ماه سال بعد ادامه می‌یابد.
- ۱۰ - سال دآمداری، در ایله‌ها و عشایر سیرجان و بافت و بردسیر و شهر بایک با «جوبانندی» (گله‌بندی) در نودم نوروز (اول تابستان) آغاز و تا نودم سال بعد ادامه می‌یابد.
- ۱۱ - ساموئیل کنیک، جامعه‌شناسی، ترجمه مشفق همدانی، تهران، ۱۳۵۳، کتاب سیرغ ص ۲۳۲
- ۱۲ - همان منبع ص ۱۱ ص ۲۳۲
- ۱۳ - منوچهر محسنی، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران ۱۳۴۶ ص ۲۰۱
- ۱۴ - آگ برن و نیم کف، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه ا.ح. آریان پور، تهران، ۱۳۴۵، انتشارات دهخدا ص ۱۱۱
- ۱۵ - ساموئیل کنیک، همان منبع ص ۲۳۲

- ۱۶ - جوزف روسک - رولندوارن، مقدمه‌های بر جامعه‌شناسی، ترجمه ا.ح. وزیر و احمد کریمی، تهران ۱۳۵۵ ص ۷۱
- ۱۷ و ۱۸ - نک به «خود همیاری» «انواع خودیاری و گونه‌آمیزیهای آن» در فصلنامه رشد علوم اجتماعی ش ۵ از نگارنده
- ۱۹ - آگ برن و نیم کف، همان منبع ص ۱۴ ص ۲۲
- ۲۰ - همان ص ۲۶۱
- ۲۱ - همان ص ۲۶۶
- ۲۲ - ساموئیل کنیک، همان منبع ص ۱۱ ص ۸۴
- ۲۳ - نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ کل کشور، اداره کل آمار عمومی وزارت کشور.
- ۲۴ - آمار دقیقی از کل جمعیت عشایر گله‌دار ایران در دست نیست. شمارش تعداد آنها با شیوه‌های کنونی آمارگیری، اگر غیرممکن نباشد، بسیار مشکل است... جمعیت عشایری ایران را می‌توان کلاً تا حدود ۴/۵ میلیون نفر تخمین زد که حدود ۲ میلیون نفر آنها کوچ رو هستند... من بر اساس محاسبه نیروی انسانی لازم برای نگهداری احشام عشایر به همین رقم رسیده‌ام. [نادر افشار نادری «اسکان عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن» ترجمه هرمز همایون پور کتاب آگاه (ایلات و عشایر) تهران ۱۳۶۲، نشر آگاه ص ۳۳۲ - ۳۳۵] قابل ذکر است که مقاله فوق در سمیناری در قاهره در دسامبر ۱۹۷۱ ارائه شده است.
- ۲۵ - ظرفیت فعلی کارخانه ۱۲۵۰۰ تن در سال می‌باشد. نگاه کنید به کتاب سیمای اراک از محمد رضا محتاط، تهران ۱۳۴۸، نشر آگاه ص ۴۷۹.
- ۲۶ - در حال حاضر شیر دریافتی این کارخانه روزانه ۸۰ تن می‌باشد. (کریم اسد سنگایی، گزارشی از کارخانه شیر پاستوریزه شیراز، دست‌نوشته، (کدتنی) ۱۳۶۹، دانشکده علوم اجتماعی، علامه ص ۳).
- ۲۷ - ظرفیت فعلی کارخانه ۲۰۰۰۰ لیتر در روز می‌باشد نک به:
- (۱) گزارشی از افتتاح کارخانه پنیر گلپایگان ماهنامه زیتون، شماره ۲۹ (آبان و آذر ۶۹) ص ۴۱.
- ۲۸ - (۲) «آسارهای روستایی و کشاورزی ایران»، کتاب آگاه، تهران ۱۳۶۱ ص ۱۷۸.
- ۲۹ - همان منبع ص ۱۷۵.